



مهم‌ترین کتاب فلسفی جهان اسلام تاکنون خوب خوانده نشده!

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی در همایش «فارابی و تاسیس فلسفه اسلامی» که کتاب «الحروف» را مبنای سخنانش درباره فارابی و ساحت سخن قرار داد و گفت: هزار سال است که بر این مهم‌ترین کتاب فلسفی جهان اسلام گرد نشسته، زیرا از سوی فلاسفه ما به خوبی خوانده نشده است.

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی در همایش &171#فارابی و تاسیس فلسفه اسلامی» که کتاب &171#الحروف» را مبنای سخنانش درباره فارابی و ساحت سخن قرار داد و گفت: هزار سال است که بر این مهم‌ترین کتاب فلسفی جهان اسلام گرد نشسته، زیرا از سوی فلاسفه ما به خوبی خوانده نشده است.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، سخنرانی دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی با موضوع &171#فارابی و ساحت سخن» و دکتر غلامرضا اعوانی با موضوع &171#فضیلت از دیدگاه فارابی» بخش دیگری از همایش فارابی و تاسیس فلسفه اسلامی بود که صبح امروز (چهارشنبه) در بنیاد حکمت اسلامی صدرا برگزار شد.

ابراهیمی دینانی در ابتدای سخنانش ساحت سخن را یکی از دغدغه‌های فارابی برشمرد که بیش از سایر علمای مسلمان به این موضوع پرداخت. وی گفت: برای بررسی این بخش از اندیشه او باید به کتاب &171#الحروف» بپردازیم. این کتاب با وجودی که مهم‌ترین کتاب فلسفی جهان اسلام است، تاکنون خوب خوانده نشده!

وی افزود: این کتاب از دید فلسفی به حروف می‌نگرد، ضمن این که فارابی یک نحوی بزرگ نیز هست. برخی معتقدند این کتاب شرحی بر &171#متافیزیک» ارسطو و برخی نیز معتقدند شرحی بر &171#مقولات» اوست، در حالی که طبق شواهد این کتاب شرح &171#مقولات» ارسطو نیست، زیرا فارابی در آن به مقولات ارجاع می‌دهد.

استاد فلسفه با اشاره به ترکیبی از متافیزیک و مقولات در کتاب &171#الحروف» در شرح این مطلب گفت: هشتاد درصد مردم ناآگاهانه پوزیتیویست‌اند، یعنی تنها بر شواهد عینی تکیه می‌کنند و متافیزیک را نمی‌فهمند. البته این افراد قایل به متافیزیک‌اند، اما این باور آنها نیز به نوعی فیزیکی است.

وی افزود: این در حالی است که متافیزیک مرزی ندارد و هر موجودی می‌تواند هم فیزیک باشد و هم متافیزیک. اگر چگونگی ارتباط فکر و بدن را یافتیم، آن گاه ارتباط فیزیک و متافیزیک را نیز یافته‌ایم. متافیزیک محیط بر فیزیک است، بنابراین به کار بردن مابعدالطبیعه و ماوراءالطبیعه برای آن نادرست است.

نویسنده کتاب &171#فلسفه و ساحت سخن» درباره معنای مقولات به عنوان مصادیق فیزیک گفت: ارسطو هر چیزی که در این دنیا می‌بینیم و به آن برخورد می‌کنیم را در 10 مقوله جای می‌دهد که به یک جوهر و 9 مقوله تقسیم می‌شوند. جوهر را نمی‌توانیم بفهمیم، زیرا توانایی شناخت آن را نداریم. جوهر از طریق اعراض قابل شناسایی است.

وی جوهر را برای فیلسوف قابل شناسایی دانست و گفت: فارابی در &171#الحروف» هم از مقولات می‌گوید و هم از متافیزیک و مدعی است که متافیزیک جزو هیچ یک از مقولات نیست. حال باید ارتباط این دو و راه اثبات متافیزیک را دریابیم. مقولات منشأ می‌خواهند، در غیر این صورت به شک منجر می‌شوند. این منشأ جزو مقولات نیست، بلکه به آنها محیط است، اینجاست که رابطه علی و معلولی شکل می‌گیرد. رابطه علی و معلولی نیز متافیزیکی است.

ابراهیمی دینانی یادآور شد: فارابی در این کتاب که هزار سال است بر آن گرد نشسته و باید از سوی فلاسفه کنونی خوانده شود، درباره تک تک مقولات بحث می‌کند.

وی به جمله‌ای از این اثر اشاره کرد و گفت: غالباً گفته می‌شود که الفاظ و کلمات برای جهان خارج وضع شده‌اند، ضمن این که در ذهن نیز وجود دارند. فارابی معتقد است الفاظ بیشتر با ذهن ارتباط دارند، زیرا تفکیک الفاظ بر اساس تفکیک ذهن انجام می‌شود. برای مثال، در عالم خارج تفکیکی میان طول و طویل یا سیاه و سیاهی نمی‌بینیم، در حالی که این تفکیک در ذهن قابل تشخیص است.

این نویسنده تأکید کرد: مطلبی که فارابی درباره ارتباط الفاظ با ذهن مطرح می‌کند، ساده نیست و مباحث بسیاری بر آن مترتب است. این مطلب می‌تواند سبب تغییر جهان‌بینی افراد شود و این دقیقاً کارکرد فلسفه است. فلسفه ظاهر نیست، فلسفه را باید جدی گرفت. اگر ملتی فلسفه نداشته باشد، آن جامعه به اصطبلستان شبیه خواهد شد. هیچ چیز در دنیا جدی‌تر از فلسفه نیست.

سپس اعوانی درباره فضیلت از دیدگاه فارابی سخن گفت و فارابی پایه‌گذار سیاست الهی در جهان اسلام دانست و اظهار داشت: پایه و اساس حکمت عملی و دیانت، فضیلت است همچنان که اساس علم از دیدگاه سقراط و افلاطون نیز تحقق است و با عمل ارتباط مستقیم دارد. سقراط و افلاطون قایل به فضیلت‌اند و فضایل را وجهی از آن می‌دانند.

وی با اشاره به استفاده فارابی از نظریه افلاطونی و تقسیم فضای چهارگانه و همچنین نظریه استدلال ارسطو گفت: ما نمی‌توانیم عقل عملی و نظری را از یکدیگر جدا کنیم. غایت عقل نظری، شناخت و حقیقت و غایت عقل عملی، خیر است. این دو از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. در نزد فارابی نیز حقیقت، کمال عقل عملی و مطلوب بذاته و کمال نیز کمال و غایت عقل عملی و مطلوب بذاته است.

رئیس موسسه حکمت و فلسفه ایران به تأکید فارابی بر اراده و اختیار اشاره کرد و گفت: به باور وی، باید فضایل را اختیار کرد، نه اراده. اگر منبع شوق، تخیلی باشد، به آن اراده و اگر عقلی باشد، به آن اختیار می‌گوییم. تعلیم و تربیت نیز مصداق عقل نظری و عقل عملی‌اند. بنابراین از اینجا می‌توان به معنای تعلیم و تربیت از دیدگاه فارابی نیز پی‌برد.

وی با اشاره به مدینه فاضله فارابی گفت: او این مدینه را تعاون اهالی مدینه برای نیل به سعادت معرفی می‌کند. از آنجا که کسب فضایل از طریق فضایل محقق می‌شود، بنابراین راهی که مدینه فاضله در پیش دارد، راه فضایل است.

اعوانی ادامه داد: امت فاضله بالاتر از مدینه فاضله و معمور فاضله برتر از آن دو دیگر است. معمور به معنای زمین است، زمینی که مدن فاضله را در خود جای می‌دهد. در مدینه ملک و نبی و بالاتر از آنها، حضرت حق، اصل به شمار می‌آیند و همه شهروندان باید با آنان همکاری کنند.

وی یادآور شد: برخلاف ادعای عده‌ای، فارابی حکیم و نبی را یکسان نمی‌شمارد، بلکه هر دوی آنها را با عقل فعال متحد می‌داند، با این تفاوت که نبی وظیفه تشریع را نیز بر عهده دارد و باید با عقل جزئی نیز ارتباط برقرار کند.

اعوانی با بیان این که «به اعتقاد فارابی، تاسیس مدینه فاضله بدون حکمت ممکن نیست» گفت: چیزی که اکنون دنیای ما از فقدان آن رنج می‌برد، حکمت است. علوم هرگز امکان اسلامی شدن نمی‌یابند، مگر با حکمت الهی.

وی در پایان سخنانش بزرگ‌ترین موهبت الهی به ایران را گام زدن حکمای بزرگ بر خاک آن دانست و گفت: کتاب‌های بسیاری از این حکما خاک می‌خورند، زیرا کسی به سراغ آنها نمی‌رود. حتی کتاب‌های چاپ شده آنان نیز از سوی اهالی فلسفه به خوبی خوانده نمی‌شود. این متون مطالب حیرت‌انگیزی را دربر دارند که امیدوارم روزی خوانده شوند و جزو برنامه‌های درسی قرار گیرند.